

دانشگاه و انتقال ایده به جامعه: خوانشی جامعه‌محور از سازوکارهای درون سازمانی در دانشگاه‌های دولتی ایران^۱

نوع مقاله: پژوهشی

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
رایانامه: mo-seydali@stu.scu.ac.ir

محمد صیدالی 

نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
رایانامه: h.farhadirad@scu.ac.ir

حمید فرهادی راد *

استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
رایانامه: h.darafsh@scu.ac.ir

حجت‌اله درفش 

استاد، گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
رایانامه: ymehralizadeh@gmail.com

یدالله مهرعلی‌زاده 

چکیده

هدف: تقویت نقش دانشگاه در خلق، کسب و انتقال مؤثر ایده‌ها به جامعه به عنوان یکی از مأموریت‌های اساسی آن، نیازمند بازنگری و بازسازی در ساختارهای سنتی و رفع محدودیت‌های انحصاری آن است. لذا هدف پژوهش حاضر طراحی و تبیین مدلی برای بازآفرینی سازوکارهای درونی دانشگاه به منظور انتقال ایده‌های دانشگاهی به جامعه بود.

روش: این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی پدیدارشناسی بوده و شرکت‌کنندگان در پژوهش به صورت هدفمند و بر پایه موارد مطلوب از بین اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور انتخاب شدند. در مجموع بعد از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از جامعه هدف، اشیاع نظری حاصل شد. برای حصول اطمینان از روایی پژوهش از معیارهای چهارگانه لینکلن و گوبا استفاده شد؛ و در نهایت برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش توصیفی-پدیدارشناسی کلایزی بهره گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که انتقال مؤثر ایده‌ها مستلزم چهار تحول ساختاری در دانشگاه است: (الف) بازطراحی ساختار سازمانی بر پایه مدل‌های حرفه‌ای، شبکه‌ای، بدون مرز و پروژه محور برای بازگرداندن دانشگاه به هویت دانشی خود؛ (ب) ایجاد واحدهای تخصصی برای هدایت جریان ایده از شناسایی مسائل و فرصت‌ها تا ترجمان به بسترهای اجتماعی، اقتصادی و صنعتی؛ (ج) استقرار نظام مأموریتی شفاف و ساختارمند برای نهادینه‌سازی انتقال ایده به عنوان یکی از کارکردهای اصلی آموزش عالی؛ و (د) ایجاد اکوسیستم حمایتی پایدار فنی-مالی برای تسهیل خلق و گسترش ایده‌های نوآورانه. این تحولات از ۷۱ کد باز و ۱۴ مقوله محوری استخراج شدند.

نتیجه‌گیری: پژوهش نشان داد که دانشگاه باید از نهادی منفعل به عامل راهبردی در تعامل دانشگاه-جامعه تبدیل شود. ایفای این نقش مستلزم رویکردی باز و محیط‌محور و تحول بنیادین در ساختار سازمانی است تا بتواند رهبری جریان فناوری در جامعه را بر عهده گیرد. برای تحقق این هدف، بازآفرینی ساختارهای نوین، ایجاد واحدهای تخصصی مدیریت ایده، تبیین مأموریت‌های روشن و استقرار نظام‌های حمایتی مؤثر ضروری است.

کلیدواژه‌گان: انتقال ایده، ساختار دانشگاه، فرد دانشگاهی، فرهنگ دانشگاه، سیاست دانشگاهی، دانشگاه‌های دولتی ایران.

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی نویسنده اول در دانشگاه شهید چمران اهواز است.

مقدمه و بیان مسئله

ساختار دانشگاه‌های دولتی ایران از دیرباز بر پایه الگوی انحصاری شکل گرفته است؛ الگویی که مانع رقابت و پویایی نهادی می‌شود؛ اما تحولات فناورانه، گسترش رقابت و گفتمان مسئولیت اجتماعی دانشگاه، ضرورت عبور از این وضعیت را آشکار کرده است. در این بستر، دانشگاه ناگزیر است راهکارهایی برای سازگاری با شرایط جدید بیابد و از رهگذر بازاندیشی در ساختار خود، با تحولات محیطی هم‌نوا شود. انتقال ایده به جامعه، یکی از مأموریت‌های اصلی دانشگاه‌ها در دنیای امروز است و دانشگاه‌ها زمانی می‌توانند مسئولیت واقعی خود را در قبال جامعه انجام دهند که نتایج علمی، ایده‌های نوآورانه و دستاوردهای پژوهشی خود را در قالب راه‌حل‌های اجرایی، محصولات فناورانه یا تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وارد جامعه و زندگی مردم کند. با این حال، ساختار انحصاری کنونی دانشگاه‌های دولتی مانع چابکی و نوآوری شده و توان پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع جامعه را محدود کرده است؛ بنابراین، بازنگری و اصلاح این ساختار، پیش شرط ایجاد مزیت رقابتی پایدار در فرآیند انتقال ایده به جامعه است.

در جوامع معاصر، بقا و توان رقابت اقتصادی و اجتماعی در گرو خلاقیت و نوآوری مستمر است و هر جامعه‌ای که نتواند با تحولات سریع محیطی، فناورانه و دانشی هم‌سو شود، در معرض افول قرار می‌گیرد. از این رو، نوآوری و خلق ارزش‌های جدید به‌عنوان ضرورتی حیاتی برای توسعه پایدار مطرح است. بلوغ نوآوری حاصل تعامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فناورانه بوده و دانشگاه‌ها و مراکز علمی در این میان نقشی کلیدی به‌عنوان محرک و تسهیلگر نوآوری از طریق پژوهش، آموزش تفکر خلاق، توسعه دانش تخصصی و انتقال ایده‌های نوآورانه به جامعه ایفا می‌کنند. هرچند ایده‌ها در بسترهای گوناگون شکل می‌گیرند، بخش قابل توجهی از نوآوری‌ها از دل صنعت و محیط‌های علمی-پژوهشی مانند دانشگاه‌ها پدید می‌آیند؛ محیط‌هایی که رقابت، انگیزه اقتصادی و ضرورت پاسخ‌گویی به مسائل عملی، زمینه را برای خلاقیت فراهم می‌سازد. دانشگاه‌ها علاوه بر نقش خاستگاه ایده، به‌عنوان پشتیبان علمی می‌توانند فرآیند ایده پردازی را در سایر بخش‌های جامعه تسریع کنند. با این حال، چنانچه دانش و ایده‌های نوین در مرزهای دانشگاه محصور بماند، این نهاد از ایفای نقش واقعی خود در خلق و انتقال دانش و فناوری بازمی‌ماند و گرفتار ساختارهای دیوان‌سالارانه خواهد شد؛ وضعیتی که مانع تحقق رسالت مدرن دانشگاه در پویایی و توسعه جامعه است (Ritzen, 2020).

تحول بنیادینی در مفهوم ارتباط دانشگاه و جامعه

زمانی رقم خورد که دانشگاه استنفورد با ارائه الگویی اثربخش از انتقال ایده به بازار، مسیر جدیدی را گشود. در سال ۱۹۳۸، بیل هیولت^۱، دانشجوی استنفورد^۲، به تشویق استاد خود فرد ترمن^۳، بر مبنای ایده‌ی پایان‌نامه‌اش نخستین شرکت اسپین‌آف^۴ دانشگاهی را بنیان گذاشت و به همراه دیوید پاکارد^۵ شرکت هیولت-پاکارد^۶ را تأسیس کرد؛ شرکتی که به سرعت به یکی از غول‌های فناوری آمریکا بدل شد و در سال ۲۰۰۴ در رتبه ۲۴ از میان ۵۰۰ شرکت برتر فورتون^۷ و در سال ۲۰۱۸ همچنان در میان ۵۰ شرکت برتر ایالات متحده قرار داشت (Fortune, 2018). این تجربه آغازگر گفتمانی جدید بود که بر نقش دانشگاه‌ها در بهره‌گیری از سازوکارهای کارآمد خلق و تجاری‌سازی فناوری‌های نو، نوآوری‌های کاربردی و در نهایت توسعه پایدار تأکید داشت. با وجود این تا دهه‌های پایانی قرن بیستم رتبه و اعتبار دانشگاه‌ها عمدتاً بر اساس دو مأموریت سنتی آموزش و پژوهش تعیین می‌شد و نقش آن‌ها در ارتقای جامعه از طریق انتقال ایده کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت. با افزایش نمونه‌های موفق همکاری میان دانشگاه و صنعت، انتظار از دانشگاه‌ها برای ایفای مأموریت سوم یعنی مشارکت فعال در نوآوری، کارآفرینی و انتقال ایده‌های سودمند به جامعه به اولویت سیاست‌گذاران و دولت‌ها تبدیل شد (Ritzen, 2020).

ایده را می‌توان کلید تعامل سازنده انسان با محیط دانست؛ به‌گونه‌ای که افراد از طریق ایده پردازی نه تنها مشکلات خود را حل می‌کنند، بلکه آن‌ها را به فرصت‌هایی برای تولید سرمایه تبدیل می‌نمایند (Emamian et al, 2023). ایده دانشگاهی در تعریفی جامع به آن دسته از مفاهیم یا دستاوردهای فکری گفته می‌شود که در فرایندهای آموزشی، پژوهشی و تعاملات علمی میان دانشجویان، استادان و پژوهشگران در بستر دانشگاه شکل می‌گیرند و توانایی ارتقای دانش و ایجاد تغییر در سطح جامعه را دارند (Guindalini et al, 2021). پژوهش محوری و اتکای علمی، قابلیت نوآوری و خلاقیت، ماهیت نظری یا کاربردی، منشأ دانشگاهی و پتانسیل ارزش‌آفرینی علمی، اجتماعی و اقتصادی از جمله ویژگی‌های ایده دانشگاهی هستند (Kump et al, 2023؛ Pinel, 2020؛ Galea, 2023). مفهوم «انتقال ایده» به فرآیندی اشاره دارد که طی آن ایده‌های نوآورانه یا کارکردی شکل گرفته در محیط‌های سازمان‌یافته‌ای مانند دانشگاه‌های پژوهشی، در بسترهای دیگر به کار گرفته می‌شوند و استفاده مؤثر از آن‌ها در زمینه‌های غیردانشگاهی را تسهیل می‌کنند (De Wit-de Vries et al, 2019). این اصطلاح طیفی از فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد که با هدف وارد کردن دستاوردهای علمی به جامعه و تقویت همکاری میان دانشگاه، صنعت و سایر بخش‌ها انجام می‌شود و شامل تبدیل یا تجاری‌سازی نتایج پژوهش‌های بنیادی برای حل مسائل و توسعه صنعتی و اجتماعی است (Minshall, 2018).

¹ Bill Hewlett

² Stanford University

³ Fred Terman

⁴ Spin-off

⁵ David Packard

⁶ Hewlett-Packard

⁷ Fortune 500

O'Reilly et al, 2019)؛ بنابراین، «ایده» یک فکر یا راه‌حل برای حل مسئله یا دستیابی به هدف مشخص است و «انتقال ایده» فرآیند رساندن آن به فرد یا نهادی است که به آن نیاز دارد. این روند شامل به‌کارگیری نتایج نظری، پژوهشی و نوآوری‌ها در زندگی روزمره و محیط اجتماعی، از جمله انتقال فناوری، دانش فنی، روش‌های نوین یا اطلاعات علمی برای ارتقاء کیفیت زندگی و حل مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

انتقال ایده از دانشگاه به جامعه فرایندی پیچیده و چند سطحی است که در بستر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور شکل می‌گیرد پژوهش‌ها نشان می‌دهند عواملی مانند تقاضای نوآوری، نگرش عمومی، سیاست‌های کلان علم و فناوری، مقررات آموزش عالی و سیاست‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم هر یک می‌توانند این مسیر را تسهیل یا تضعیف کنند (Anatan, 2023؛ OECD, 2023؛ Ng, 2022)؛ Kissi-Abrokwah et al, 2022). با این حال، دانشگاه‌ها بازیگرانی فعال‌اند و می‌توانند با بازطراحی ساختارهای درونی و تعریف نظام‌هایی برای شناسایی نیازهای جامعه و مدیریت جریان ایده نقشی محوری در این فرایند ایفا کنند (Ghafourian et al, 2022). برای ایفای این نقش، ایجاد واحدهای تخصصی جهت رصد محیط و تبدیل نیازهای جامعه به مسائل اقدام پذیر ضروری است (Collien, 2018)؛ Compan et al, 2024؛ Etkowitz & Zhou, 2018). همچنین، استقرار سازوکارهای درون‌سازمانی تولید نوآوری و دفاتر واسطی همچون مراکز انتقال فناوری و پارک‌های علم و فناوری برای تجاری‌سازی یافته‌ها اجتناب‌ناپذیر است (Kokt & Makumbe, 2020)؛ Belitski & Sikorski, 2024). در این مرحله، دانشگاه با اعتبارسنجی ایده‌ها پیش از عرضه به جامعه و شناسایی زمینه‌های اجرایی و کاربردی آن‌ها، زمینه تبدیل اکتشافات علمی به کاربردهای عملی را فراهم می‌کند (Arvanitakis & Hornsby, 2022)؛ Kitagaana et al, 2024؛ Saienko et al, 2020؛ Chen et al, 2024؛ Stewart, 2024؛ Marchant-Pérez & Ferreira, 2024). همچنین تحقق مأموریت‌های نوین دانشگاه نیازمند ساختارهایی مدرن برای بازسازی هویت حرفه‌ای و تضمین استقلال علمی است که زمینه نوآوری و خلاقیت را فراهم کند (Shtefan, 2025؛ Karo & Drechsler, 2024؛ Schmitz et al, 2017). دستیابی به این هدف، مستلزم طراحی و استقرار ساختاری است که آزادی حرفه‌ای را در سطوح فردی و سازمانی تضمین کند (Lissillour & Rodriguez-Escobar, 2022). مرزهای سنتی میان نهادها، رشته‌ها و بخش‌ها را درنوردیده (Marchant-Pérez & Ferreira, 2024) و الگوی سلسله‌مراتبی سنتی را با هماهنگی افقی و شبکه‌ای جایگزین کند (Barger et al, 2022). افزون بر آن، دانشگاه باید نظام مأموریت‌محور و الزام‌آوری برای مشارکت فعال در تعاملات جامعه‌محور طراحی کند (Giuri, 2019؛ Calderón-Hernández et al, 2020) و از ایده‌های خلاق با پشتیبانی چندبعدی علمی، مالی و حقوقی حمایت نماید، از جمله از طریق توسعه راهبردهای بازاریابی علمی، حفاظت از مالکیت فکری و کاهش موانع بوروکراتیک (Belitski & Sikorski, 2024؛ Soares & Torkomian, 2021؛ Ouragini et al, 2023).

شواهد تجربی نشان می‌دهد که انتقال مؤثر ایده‌های دانشگاهی نیازمند بازطراحی ساختارهای درونی و استقرار سازوکارهای چندبعدی است. دماریس آبرائو و همکاران^۱ (۲۰۲۴) دانشگاه‌های موفق را «نهادهای تفسیری» می‌دانند که با بازتولید گفت‌وگوهای علمی و اجتماعی، جریان ایده را میان دانشگاه و جامعه نهادینه می‌کنند. مرسر^۲ (۲۰۲۳) بر اهمیت رفع شکاف زبانی میان دانشگاه و جامعه تأکید دارد؛ ترجمه و بازسازی دانش تخصصی به زبانی قابل‌فهم برای گروه‌های اجتماعی، شرط موفقیت انتقال است. اسکوییدا^۳ (۲۰۲۵) گذار از بروکراسی سنتی به مدل‌های شبکه‌ای و داده‌محور را برای یکپارچگی نظارت و تحلیل محیطی و انتقال اثربخش ایده به جامعه توصیه می‌کند؛ مدل‌هایی که بر تعامل مستمر با ذی‌نفعان، جمع‌آوری داده و پردازش هوشمند اطلاعات استوارند. همچنین رن، شو، هائو و وانگ^۴ (۲۰۲۳) ساختارهای پروژه محور را در کارایی انتقال دانش و فناوری مؤثر می‌دانند؛ ساختارهایی که در آن‌ها تخصص‌های متنوع در چارچوب مرزهای مشخص پروژه گرد هم می‌آیند تا به تولید نتایج هدفمند و کاربردمحور منجر شوند. ساختارهای فرارشته‌ای در این میان حیاتی‌اند. هال^۵ (۲۰۲۲) گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای را بستر زایش ایده‌های قابل‌انتقال می‌داند. یو و همکاران^۶ (۲۰۲۰) و لاپنسی و همکاران^۷ (۲۰۲۴) به توسعه گروه‌های پژوهشی مشترک، برنامه‌های آموزشی ترکیبی و مراکز ایده پردازی میان‌رشته‌ای برای پرورش نوآوری‌های بین‌رشته‌ای و همسوسازی با رهبری نوآوری اشاره دارند و از میان برداشتن مرزهای بین‌بخشی را برای این امر ضروری می‌دانند. همچنین دانشگاه باید ساختارهایی برای حمایت چندبعدی از این ایده‌ها از مرحله شکل‌گیری تا انتقال به جامعه ایجاد کند. مایکلسون و سگرز^۸ (۲۰۲۲) ایجاد ساختارهایی درون دانشگاه برای شناسایی، طبقه‌بندی و پشتیبانی نظام‌مند ایده‌ها پیشنهاد می‌کنند. موناری و همکاران^۹ (۲۰۱۸) حمایت مالی دانشگاه‌ها به‌ویژه در مراحل اولیه شکل‌گیری ایده را امری ضروری می‌دانند تا شکاف موسوم به دره مرگ^{۱۰} را در مسیر زنجیره نوآوری پر کنند. لوبوتیل و همکاران^{۱۱} (۲۰۲۲) نقش فناوری اطلاعات را در این زمینه برجسته می‌کنند و معتقدند فناوری اطلاعات با تسریع فرآیندهای ایده پردازی و تجاری‌سازی، کارایی و اثرگذاری نوآوری را افزایش می‌دهد و می‌تواند حمایت‌های ساختاری برای انتقال ایده‌ها به جامعه فراهم کند.

¹ de Moraes Abrahão et al

² Mercer

³ Skuibida

⁴ Ren, X., Xu, J., Hao, Y., & Wang, S.

⁵ Hall

⁶ You et al

⁷ LaPensee et al

⁸ Mikelsone & Segers

⁹ Munari, F., Sobrero, M., & Toschi, L.

¹⁰ valley of death

¹¹ Demarinis Loiotile, A., De Nicolò, F., Agrimi, A., Bellantuono., ... & Bellotti, R.

انتقال ایده به جامعه از شاخص‌های اصلی اثربخشی آموزش عالی است. دانشگاه‌ها دیگر فقط پاسخگوی دولت و تأمین نیروی انسانی نیستند و تنها زمانی می‌توانند در توسعه پایدار نقش واقعی خود را ایفا کنند که نتایج علمی و ایده‌های نوآورانه را در قالب راه‌حل اجرایی، محصولات فناورانه یا تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وارد زندگی مردم کنند. میدان آموزش عالی پویا، چندبازیگری و جهانی است و نیازمند باز بودن، انعطاف‌پذیری و پاسخ‌گویی چندوجهی است. تغییر ماهیت تقاضا، رقابت دانشی، مسئولیت اجتماعی، سرعت تغییرات محیطی، ارتباطات بین‌المللی و استانداردهای جهانی، شرایط را دگرگون کرده است. ایده‌ها باید در رقابت با نهادهایی چون اندیشکده‌ها، مراکز تحقیق و توسعه خصوصی، آزمایشگاه‌های صنعتی و دولتی، شرکت‌های پیشرو، استارت‌آپ‌ها و شبکه‌های علم شهروندی عرضه شوند. در چنین زیست‌بوم رقابتی، الگوهای سازمانی انحصاری و درون‌گرا مانع اثرگذاری‌اند و گذار به مدل‌های سیال، تعاملی و برون‌نگر ضرورتی گریزناپذیر است.

بنابراین، با عنایت به سه پیش‌فرض شامل: نواقص ساختار بوروکراتیک و سنتی دانشگاه‌ها، ضرورت هم‌نوایی با تحولات محیط بیرونی و الزام بازیگری و تحول در ساختارهای درونی دانشگاه، این سؤال اساسی مطرح است که چگونه ساختار سازمانی دانشگاه ظرفیت لازم برای انتقال ایده به جامعه را پیدا می‌کند؟ لذا پژوهش حاضر با رویکردی جامعه‌محور به واکاوی تحولات ساختاری درون‌سازمانی موردنیاز برای انتقال ایده به جامعه می‌پردازد و در صدد پاسخگویی به دو سؤال فرعی زیر است:

بر اساس برداشت پژوهشگران از بیانات مصاحبه‌شوندگان، چه تغییراتی در سازوکارهای درونی دانشگاه برای انتقال ایده به جامعه ضرورت دارد؟

مدل مفهومی مناسب برای انتقال ایده‌های دانشگاهی به جامعه با تأکید بر سازوکارهای درونی دانشگاه چیست؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، در دسته نظری-کاربردی و از نظر روش، کیفی با رویکرد پدیدارشناسی است. این رویکرد امکان استخراج الگوهای بومی متناسب با بافت فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌کند و فراتر از توصیف، به کشف ساختارها و مؤلفه‌های زیربنایی تجربه‌های زیسته می‌پردازد که می‌توانند مبنای طراحی یا بازیگری ساختارها قرار گیرند (Creswell, 2014). انتخاب این روش به دلیل ماهیت مسئله و نیاز به شناسایی عناصر و سازوکارهای نوین برای نقش‌آفرینی مؤثر دانشگاه‌های دولتی ایران در انتقال ایده بوده است. گردآوری و تحلیل تجربه‌های هیئت‌علمی، زمینه ارائه الگویی پیشنهادی بر اساس واقعیات دانشگاه و پیوند آن با بستر اجتماعی را فراهم می‌سازد.

مشارکت‌کنندگان از میان اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های دولتی ایران و به‌صورت محدود انتخاب شدند. بر اساس دیدگاه گال، بورگ و جویس^۱ (۱۴۰۲)، در پژوهش‌های کیفی حتی یک مورد می‌تواند نمونه محسوب شود. در این پژوهش، نمونه‌گیری به روش هدفمند و بر اساس موارد مطلوب انجام گرفت و برای شناسایی افراد واجد شرایط، از نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. پس از انجام مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از جامعه هدف، اشباع نظری حاصل شد. ویژگی مشترک همه مشارکت‌کنندگان، تجربه زیسته در انتقال ایده‌های دانشگاهی به جامعه بود که هر یک، با توجه به رشته، جایگاه شغلی و سوابق حرفه‌ای خود، با آن درگیر بوده‌اند. مشخصات آن‌ها در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول (۱) سیمای مشارکت‌کنندگان پژوهش

کد مصاحبه‌شونده	رشته تحصیلی	نوع تجربه زیسته	کد مصاحبه‌شونده	رشته تحصیلی	نوع تجربه زیسته
۱	مدیریت آموزشی	صاحب‌نظر در حوزه آموزش عالی، توانایی تحلیل سیاست‌ها و ساختارهای آموزشی، ایجاد پل ارتباطی با سازمان‌های دیگر	۹	مدیریت آموزشی	پژوهشگر در حوزه ارتباط دانشگاه با جامعه، پژوهش میان‌رشته‌ای برای بهبود مکانیزم‌های تعامل دانشگاه و جامعه.
۲	مدیریت آموزشی	تجربه در ارتباط با صنعت، انجام پژوهش‌های میان‌رشته‌ای با هدف رفع نیازهای جامعه	۱۰	مدیریت آموزشی	صاحب‌نظر در حوزه آموزش عالی، ارائه سیاست‌های کلان برای بهبود مأموریت اجتماعی و کارکرد انتقالی دانشگاه
۳	برنامه‌ریزی درسی	تجربه مدیریت گروه، برنامه‌ریزی محتوای آموزشی بر اساس نیاز جامعه.	۱۱	مدیریت آموزشی	صاحب‌نظر در حوزه آموزش عالی، تدوین راهبردهای کلان تحول ساختار آموزش عالی بر اساس شواهد تجربی.
۴	برنامه‌ریزی درسی	تجربه در ارتباط با جامعه، شناسایی نیازهای یادگیری فراتر از دانشگاه	۱۲	برنامه‌ریزی درسی	صاحب‌نظر در حوزه آموزش عالی، ارزیابی نوآوری‌های آموزشی و تحلیل ظرفیت پذیرش جامعه برای ایده‌های نو
۵	فلسفه تعلیم و تربیت	صاحب‌نظر در حوزه آموزش عالی، تحلیل انتقادی مأموریت اجتماعی دانشگاه،	۱۳	تکنولوژی آموزشی	تجربه مدیریت گروه، طراحی و پیاده‌سازی محیط‌های

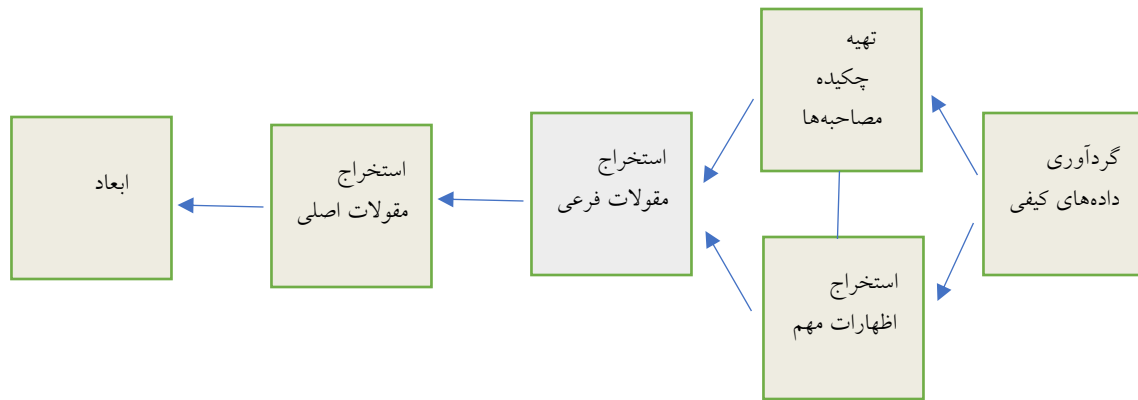
¹ Gal, Borg, & Joyce

یادگیری نوآور، بهره‌گیری از فناوری برای انتقال ایده‌ها.			چارچوب‌سازی فلسفی برای نقش دانشگاه در جامعه		
صاحب‌نظر در حوزه کارآفرینی، شناسایی فرصت‌های بازار برای ایده‌های علمی، توسعه مدل کسب‌وکار مبتنی بر دانش.	مدیریت بازرگانی-بازاریابی بین‌الملل	۱۴	تجربه ریاست در شورای پژوهشی، هدایت پروژه‌های پژوهشی مأموریت‌محور، ایجاد اولویت‌های پژوهشی همسو با نیازهای جامعه	مدیریت آموزشی	۶
تجربه عضویت در شورای پژوهشی، هدایت پروژه‌های فناورانه، پیوند دادن پژوهش‌های مکانیکی به نیازهای صنعتی و بازار	مهندسی مکانیک	۱۵	تجربه ریاست دفتر ارتباط با صنعت، طراحی پروژه‌های مشترک صنعتی-دانشگاهی، تجاری‌سازی نتایج پژوهش‌های مهندسی	مهندسی عمران	۷
			بنیانگذار پارک علم و فناوری، توسعه زیست‌بوم نوآوری، حمایت از استارت‌آپ‌ها، ایجاد زیرساخت برای تجاری‌سازی ایده‌ها	شیمی	۸

برای گردآوری داده‌های کیفی از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته‌ی عمیق استفاده شد. ساختار این مصاحبه‌ها بر اساس مبانی نظری پژوهش و با بهره‌گیری از نظرات متخصصان حوزه آموزش عالی طراحی و تدوین گردید. اعتبار و روایی ابزار نیز از سوی صاحب‌نظران مورد تأیید قرار گرفت.

برای اطمینان از روایی، از معیارهای چهارگانه لینکلن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) شامل قابلیت اطمینان، تأیید پذیری، انتقال‌پذیری و اعتبار استفاده شد. اقداماتی مانند تحلیل و بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان و هم‌تایان، بهره‌گیری از نقل‌قول‌های مستقیم و توصیف غنی داده‌ها انجام گرفت. با توجه به رویکرد پدیدارشناسی، تحلیل داده‌ها بر اساس روش توصیفی-پدیدارشناسی کلایزی انجام شد که شامل هفت مرحله است: ثبت اظهارات، شناسایی بیانات مهم، استخراج کدهای معنایی، دسته‌بندی آن‌ها (مقولات فرعی)، پیوند کدها در مقولات کلی (مقولات محوری)، ارائه توصیف جامع و اعتبارسنجی یافته‌ها با ارجاع به نمونه‌ها. تحلیل مصاحبه‌ها با پیروی کامل از این مراحل و منطبق پدیدارشناسی انجام گرفت تا شناختی عمیق از تجربه‌های زیسته مشارکت‌کنندگان در انتقال ایده‌های دانشگاهی به جامعه حاصل شود.

¹ Lincoln & Guba



شکل (۱) الگوی تحلیل داده‌های کیفی-پدیدارشناسی

یافته‌های پژوهش

به‌منظور پاسخگویی به سؤال اول، ابتدا گزاره‌های اصلی برگرفته از اظهارات مصاحبه‌شوندگان شناسایی و کدهای باز مربوط به آن‌ها استخراج گردید. سپس، با تلفیق و مقایسه مفهومی کدهای باز، **کدهای محوری** متناسب با الگوهای معنایی و مفهومی شکل گرفتند. در مجموع ۱۴ کد باز و ۴ کد محوری شناسایی شد. جدول (۲)، فرایند دسته‌بندی را نمایش می‌دهد و بیانگر پیوند میان بیانات مشارکت‌کنندگان، کدهای استخراج‌شده و مفاهیم محوری حاصل از تحلیل است.

جدول (۲) تغییرات ضروری در سازوکارهای درونی دانشگاه‌ها

بیانات مصاحبه‌شوندگان	کدهای باز	کدهای محوری
ایجاد ساختار آزاد و غیررسمی جهت ایجاد فرصت بروز ایده‌ها، ایجاد بوروکراسی حرفه‌ای بر دانشگاه، ایجاد ساختار سازمانی پویا، ارگانیک و منعطف جهت سرعت در پاسخگویی، چابکی در ساختار دانشگاه، چابکی و ساختار غیررسمی برای واکنش سریع به تحولات اجتماعی، ایجاد ارتباط حرفه‌ای و پویا با جامعه، وجود دموکراسی در ساختار دانشگاه برای تحریک مسئولیت‌پذیری افراد، دموکراسی در فعالیت‌های مختلف دانشگاه، استقلال ذاتی عوامل درونی دانشگاه، استقلال معاونت پژوهشی دانشگاه برای جذب منابع مالی و تبدیل علم به عمل، برقراری ساختار مستقل و پویا، استقلال افراد دانشگاهی برای ارتباط با جامعه، آزادی دانشجویان در پیگیری ایده‌های شخصی خود.	ساختار سازمانی حرفه‌ای	هویت‌سازی دانشگاهی
کوچک‌سازی و ساده‌سازی ساختار دانشگاه، جریان آزاد ایده در دانشگاه، پذیرش خارج شدن از چارچوب‌ها، کاهش استانداردهای ساختار در امور دانشگاه، افزایش انعطاف و تنوع در ساختار دانشگاه، چارچوب‌های منعطف در پذیرش ایده‌ها، عدم استانداردهای ساختار و شکستن قالب‌ها در پذیرش ایده‌ها، انعطاف‌پذیری و تغییرپذیری در ساختار، از بین بردن مرزهای غیرضروری در ساختار دانشگاه، درهای باز دانشگاه نسبت به جامعه، ایجاد پروژه‌های بین‌بخشی و کاهش مرزهای میان بخش‌های مختلف دانشگاه.	ساختار بدون مرز (Boundaryless Structure)	
تشکیل تیم‌های میان‌رشته‌ای برای هر پروژه، تکیه بر گروه‌های مستقل برای ارتباط با جامعه، واگذاری مسئولیت و اختیار گروه‌ها، امکان جذب اعضای خارج از دانشگاه به گروه‌ها، ایجاد بستر همکاری‌های	ساختار پروژه‌ای (Project-)	

<p>گروهی و فعالیت‌های تیمی در دانشگاه، ایجاد کارگروهی و پروژه‌های چندرشته‌ای، درگیری رشته‌ها و گروه‌های تخصصی مختلف در خلق ایده‌های فرارشته‌ای.</p>	<p>Based (Structure</p>	
<p>امکان ارتباط مستقیم دانشگاهیان با جامعه بدون واسطه‌گری اداری، ایجاد گروه‌های کاری بین دانشکده‌ای، اشتراک‌گذاری منابع، داده‌ها و زیرساخت‌ها میان گروه‌ها، دسترسی باز به تخصص‌ها بدون محدودیت رشته‌ای یا سازمانی، امکان شکل‌گیری و انحلال سریع گروه‌های شبکه، ارتباطات شبکه‌ای دانشگاه با نهادهای بیرونی.</p>	<p>ساختار شبکه‌ای (Network (Structure</p>	
<p>ایجاد سیستم پایش و ارزیابی مداوم نیازهای جامعه با داده‌های به‌روز، ایجاد ساختارها و رویه‌های مشخص و روتین برای سنجش نیازها، تعریف سیستم مشخص دریافت ایده‌ها از جامعه، ایجاد بخش‌های شناسایی و جذب ایده از جامعه، ایجاد نهادها و کارگزاری‌های تخصصی برای نیازسنجی در جامعه، ایجاد واحدهای نیازسنجی و تحلیل اجتماعی، ایجاد مراکز نوآوری و پژوهشکده‌های مسئله‌محور، تعریف سیستم مشخص و هوشمند تشخیص نیاز، تعریف ساختارهای تخصصی در دانشگاه برای ارتباط با جامعه، تعریف نهادهای رصد و پایش جامعه در ساختار دانشگاه، تعریف سیستم، فرآیندهای تخصصی و افراد متخصص برای برای شناسایی نیازهای جامعه، استخراج نیاز از دل جامعه، کمک به جامعه برای جستجو و مطرح کردن نیازهای واقعی خود، تبدیل سردرگمی‌های جامعه به مسائل صورت‌بندی شده و قابل پیگیری، تعریف مسائل دانشگاه به‌صورت علمی برای مواجهه منطقی با آن.</p>	<p>ایجاد واحد یکپارچه پایش و تحلیل محیط</p>	
<p>تسهیل ساختاری همکاری بین رشته‌ای و بین نهادی، ایجاد یکارچگی بین دانشکده‌ها و رشته‌های تخصصی مختلف، گسترش ارتباطات رسمی میان اساتید رشته‌های مختلف، حمایت‌های رسمی برای ارتباط دانشکده‌های مختلف با یکدیگر، افزایش تعاملات بین رشته‌ای و عدم تفکیک میان رشته‌های علمی، ایجاد زمینه تعامل و همکاری میان تخصص‌های گوناگون، ترویج پژوهش‌های بین رشته‌ای، نزدیکی محل کار اساتید رشته‌های مختلف، تعریف سیستم تولید ایده در دانشگاه، تشویق و تحریک خلاقیت در دانشگاه، ایجاد نهادهای تحریک خلاقیت.</p>	<p>احداث مراکز میان‌رشته‌ای ایده پردازی</p>	<p>هدایت‌گری جریان ایده</p>
<p>آزمایش و محک ایده‌های دانشگاهی و رفع عیوب آن‌ها پیش از ورود به جامعه، امکان ارزیابی مستمر از روند پیشرفت ایده‌ها، تعریف بخش‌های ارزیابی ایده در دانشگاه، ایجاد بخشی برای آزمایش، اعتبارسنجی و صحت‌سنجی ایده، ایجاد بخش کنترل کیفیت ایده‌ها، ایجاد فضایی در دانشگاه برای آزمایش عملی ایده‌ها، اعتبارسنجی و صحت‌سنجی ایده‌های اولیه توسط دانشگاه، پالایش ایده‌های دانشگاهی پیش از ورود به جامعه، تولید فکر، اعتبارسنجی، رفع اشکال، پختگی و تایید ایده توسط دانشگاه، تولید ایده، صحت‌سنجی، تایید سودهی، تایید تقاضا از سوی جامعه و طراحی نقشه توسط دانشگاه، مشخص نمودن کاربرد ایده‌ها توسط دانشگاه، تعریف بخش‌هایی برای پژوهش، توسعه ایده و نمونه‌سازی، بررسی ایده از زوایای مختلف به‌منظور عملی شدن است، ارائه پروپوزال‌های مختلف درباره یک ایده خاص، ایجاد فرآیندهایی برای تبدیل ایده اولیه به محصولات نهایی کاربردی، ایجاد ساختارهایی برای تسهیل و تسریع انتقال ایده.</p>	<p>ایجاد مرکز ارزیابی و ترجمان ایده</p>	
<p>ایجاد کارگزاری‌هایی برای ترجمه زبان میان دانشگاه و جامعه، ایجاد نهادهای تخصصی برای ترجمه زبان دانشگاه و جامعه به همدیگر، ایجاد یک زبان مشترک بین دانشگاه و جامعه، ساده‌سازی مفاهیم علمی برای درک جامعه، بار کردن زبان توده مردم بر دانش علمی دانشگاه.</p>	<p>ایجاد بخش‌های میانجی گر زبانی</p>	
<p>تعریف مأموریت سوم در مأموریت‌ها و رسالت‌های دانشگاه، ایجاد برنامه راهبردی و تعریف مأموریت برای انتقال ایده، نهادینه‌سازی و تعریف انتقال ایده در بدنه و ساختار دانشگاه، تعریف برقراری ارتباط با جامعه به عنوان یکی از وظایف دانشگاه.</p>	<p>برنامه‌ریزی راهبردی و تعریف مأموریت</p>	<p>نظام شفاف مأموریت‌ها</p>

<p>تعریف ارتباط با جامعه در شرح شغل و مسئولیت‌های دانشگاهیان، ارتقای دانشگاهیان بر اساس ارتباط با جامعه، ارائه امتیازها به اساتید بر اساس میزان مشارکت‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی آن‌ها، ایجاد ملاک‌هایی برای در نظر گرفتن فعالیت‌های غیررسمی اساتید در ارتباط با جامعه، حیاتی نمودن مولفه ارتباط با جامعه در آیین‌نامه‌های ارزیابی و ارتقا اساتید، مد نظر قرار دادن فعالیت‌های غیررسمی ارتباط با جامعه در بحث ارزیابی اساتید، توجه به تاثیرگذاری اجتماعی در ملاک‌های ارتقای اساتید، سیاست‌های ارتقا بر اساس ارائه راه‌حل، ثبت اختراع، ثبت شرکت‌های زایشی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، تعریف ماموریت سوم در آیین‌نامه‌های ارتقای اساتید، ایجاد سازوکارهای الزام آور برای ارتباط دانشگاهیان با جامعه.</p>	<p>ایجاد سازوکارهای الزام‌آور</p>	
<p>اتخاذ سیاست‌های حمایتی و ارائه امکانات لازم، حمایت از ایده‌های سودآور و واقع‌گرایانه، حمایت مالی از افراد ایده‌پرداز، ایجاد سازوکارهای حمایتی درون دانشگاه، حمایت‌های مالی، مشاوره‌ای و زیرساختی معاونت پژوهش و فناوری، ارائه خدمات مشاوره‌ای، فضای کار و شبکه‌سازی، دادن امتیازات ویژه به پروژه‌های جامعه‌محور و نیازمحور، ایجاد معافیت‌های مالیاتی برای تسهیل قراردادهای انتقال ایده، حمایت مالی از پروژه‌های مسئله محور و بین‌رشته‌ای، حمایت از ایده‌های اولیه تا به مرحله اجرا رسیدن، ایجاد مراکز رشد فناوری برای حمایت مالی، فکری، علمی، اطلاعاتی تا زمان پا گرفتن شرکت، حمایت ساختاری دانشگاه از فرآیندهای ارتباطی، حمایت ساختاری و مالی از ایده‌های نو، ایجاد یک زنجیره برای ایجاد شرکت‌ها بر اساس ایده‌ها، حمایت توسط مراکز رشد و تبدیل شدن به یک شرکت مستقل در پارک‌های علم و فناوری.</p>	<p>حمایت از ایده‌ها</p>	
<p>معرفی ایده‌ها به جامعه به وسیله نهادهای واسط، تبلیغ ایده‌های دانشگاه در جامعه توسط دفاتر ارتباط با جامعه، برقراری ارتباط بین صاحب ایده و مجری ایده توسط حلقه‌های واسط، جذب بودجه کافی جهت عملیاتی‌سازی ایده توسط حلقه‌های واسط.</p>	<p>معرفی و تبلیغ ایده</p>	<p>پشتیبانی فنی - مالی</p>
<p>انجام امور اداری مربوط به انتقال ایده توسط واسطه‌ها، برقراری قراردادهای حقوقی لازم بین دانشگاه و جامعه توسط دفاتر ارتباط با جامعه، ایجاد سیستم‌هایی برای انجام امور حقوقی و قراردادی مربوط به انتقال ایده، ایجاد قوانین مالکیت فکری و بازگشت سرمایه توسط قوانین، ایجاد سیاست‌هایی برای حفظ حقوق مالکیت معنوی، ارائه آموزش‌های کارآفرینی، مالکیت فکری و نوآوری، ایجاد سیاست‌هایی جهت جلوگیری از دزدیدن ایده‌ها.</p>	<p>انجام امور اداری و حقوقی</p>	
<p>استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال و سامانه‌های نیازسنجی و انتقال فناوری، استفاده از شبکه‌های مجازی، روزنامه‌ها، صداوسیما، بهره‌گیری از پلتفرم‌های دیجیتال، ایجاد یک سامانه رسمی و دائمی عرضه و نمایش دستاوردها و ایده‌ها، بهره‌گیری از مسیرهای دیجیتال، استفاده از شبکه‌های مجازی، ایجاد وبسایت‌های تعامل، انتشار یافته‌ها در اخبار، شبکه‌های مجازی، سایت‌های خبری.</p>	<p>ایجاد زیرساخت فناوری هوشمند</p>	

• هویت‌سازی دانشگاهی

در کد محوری «هویت‌سازی دانشگاهی»، از یافته‌های پژوهش چنین استنباط می‌شود که گذار از الگوهای سنتی، وابسته به نهادهای بیرونی و سلسله‌مراتبی به رویکردهای انعطاف‌پذیر، مستقل و نوآورانه، بخش مهمی از شکل‌دهی هویت نوین دانشگاهی را تشکیل می‌دهد؛ هویتی که با استقرار و نهادینه‌سازی الگوها و ساختارهایی توانمند در هدایت جریان دانش، ایده و نوآوری فراتر از مرزهای کلاسیک رشته‌ها و

محدودیت‌های دیوانسالاری و محیطی، دانشگاه را با تحولات محیطی و نیازهای متنوع جامعه و صنعت همسو می‌سازد. این هویت‌سازی مزیت‌هایی چون خارج شدن از کنترل دولت و نهادهای مداخله‌جو، سرعت در تصمیم‌گیری، تقویت ارتباطات افقی و عمودی، انعطاف در پاسخ‌گویی و قابلیت همگرایی با الزامات محیط پویا را به همراه دارد و مسیر تحقق مأموریت نوین دانشگاه، یعنی خدمت به جامعه را کوتاه و اثربخش می‌کند. چهار ساختار اصلی مؤثر بر این فرایند عبارت‌اند از: نخست، ساختار سازمانی حرفه‌ای است که به گفته‌ی مصاحبه‌شونده شماره ۱، لازمه‌ی ارتقای آزادی عمل، خلاقیت و انعطاف‌پذیری دانشگاه است و با تکیه بر قوانین تسهیلگر و کاهش محدودیت‌های بوروکراتیک، استقلال علمی را تقویت می‌کند. دوم، ساختار بدون مرز به تعبیر مصاحبه‌شونده شماره ۶، دیوارهای جزیره‌ای میان دانشکده‌ها، صنعت و جامعه را از میان برمی‌دارد و جریان آزاد تعامل و تبادل دانش را ممکن می‌سازد. سوم، ساختار پروژه محور است که بر اساس دیدگاه مصاحبه‌شونده شماره ۳، با تخصیص منابع بر پایه‌ی مأموریت‌های مشخص، دانشگاه را از الگوی بوروکراتیک سنتی رها کرده و موجب چابکی و انطباق سریع آن با نیازهای جامعه می‌شود. در نهایت، ساختار شبکه‌ای که مصاحبه‌شونده شماره ۱ بر آن تأکید دارد جایگزین نظام سلسله‌مراتبی خشک شده و روابط افقی و چند سویه‌ای ایجاد می‌کند که در آن، تبادل آزاد و اثربخش ایده‌ها و اطلاعات میان واحدهای دانشگاهی و بازیگران بیرونی تضمین می‌شود. ترکیب این چهار ساختار، دانشگاه را به سازمانی پویا، یادگیرنده و نوآور بدل می‌سازد که می‌تواند نقش راهبردی خود را در هدایت جریان دانش و ارتباط با جامعه ایفا کند.

• هدایت‌گری جریان ایده

در کد محوری «هدایت‌گری جریان ایده» از یافته‌های پژوهش چنین برداشت می‌شود که موفقیت فرآیند انتقال ایده از دانشگاه به جامعه، در گرو طراحی و استقرار یک مسیر ساختاریافته و نظام‌مند از شناسایی نیازها تا پیاده‌سازی و بهره‌برداری نهایی از ایده‌هاست. این مسیر سه‌گانه شامل نیازسنجی به‌عنوان مرحله آغازین و راهبردی برای شناسایی دقیق مسائل و فرصت‌های پیش‌رو، خلق و مدیریت انواع ایده به‌عنوان فرآیند تولید راه‌حل‌های نوآورانه و انتقال و ترجمان ایده به‌عنوان مرحله‌ای که ایده‌ها از محیط دانشگاه به بسترهای اجتماعی، اقتصادی یا صنعتی وارد می‌شوند، است. بر اساس داده‌های میدانی، دانشگاه برای پیمودن این زنجیره، نیازمند سیستمی است که جریان اطلاعات، منابع و همکاری را میان بازیگران مختلف تسهیل کند. سیستم‌سازی در این زمینه به معنای ایجاد نهادها، فرآیندها و مسئولیت‌هایی است که یکپارچگی این مسیر را تضمین کرده و از بروز گسست یا اتلاف منابع جلوگیری نماید. در همین راستا، مصاحبه‌شوندگان بر ضرورت ایجاد سازوکارهای سازمانی مشخصی تأکید کرده‌اند: نخست، ایجاد واحد یکپارچه پایش و تحلیل محیط است که به گفته‌ی مصاحبه‌شونده شماره ۵، وظیفه‌ی رصد مستمر نیازهای علمی، اقتصادی و اجتماعی را دارد و با جمع‌آوری داده‌های معتبر و ارزیابی ادواری عملکرد دانشگاه، مسیر شکل‌گیری ایده‌های متناسب با اولویت‌های واقعی جامعه را هموار می‌کند. دوم، احداث مراکز میان‌رشته‌ای ایده‌پردازی است که به باور

مصاحبه‌شونده شماره ۲، با حذف مرزهای سنتی میان دانشکده‌ها و گردآوردن متخصصان حوزه‌های گوناگون، محیطی تعاملی برای خلق ایده‌های نو و خلاقانه ایجاد می‌کند. سوم، ایجاد بخش‌های میانجی‌گر زبانی است که بنا بر تأکید مصاحبه‌شونده شماره ۸، مأموریت ترجمه نیازهای جامعه به زبان علمی و بازگرداندن نتایج علمی به قالب قابل فهم اجتماعی را بر عهده دارند و از این طریق شکاف زبانی میان دانشگاه و جامعه را کاهش می‌دهند. در نهایت، ایجاد مرکز ارزیابی و انتقال ایده است که بنا به دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان شماره ۱۵، ۸ و ۳، با انجام اعتبارسنجی فنی و اقتصادی و برخورداری از ساختار خصوصی، کیفیت ایده‌ها را ارزیابی کرده و مسیر انتقال آن‌ها به جامعه را تسهیل می‌کند. مجموعه این ساختارها، نظامی هماهنگ و فناورانه برای هدایت، پالایش و ترجمان ایده‌های دانشگاهی فراهم می‌آورد که از گسست در چرخه انتقال دانش جلوگیری کرده و اثربخشی اجتماعی آن را تقویت می‌کند.

• نظام شفاف مأموریت‌ها

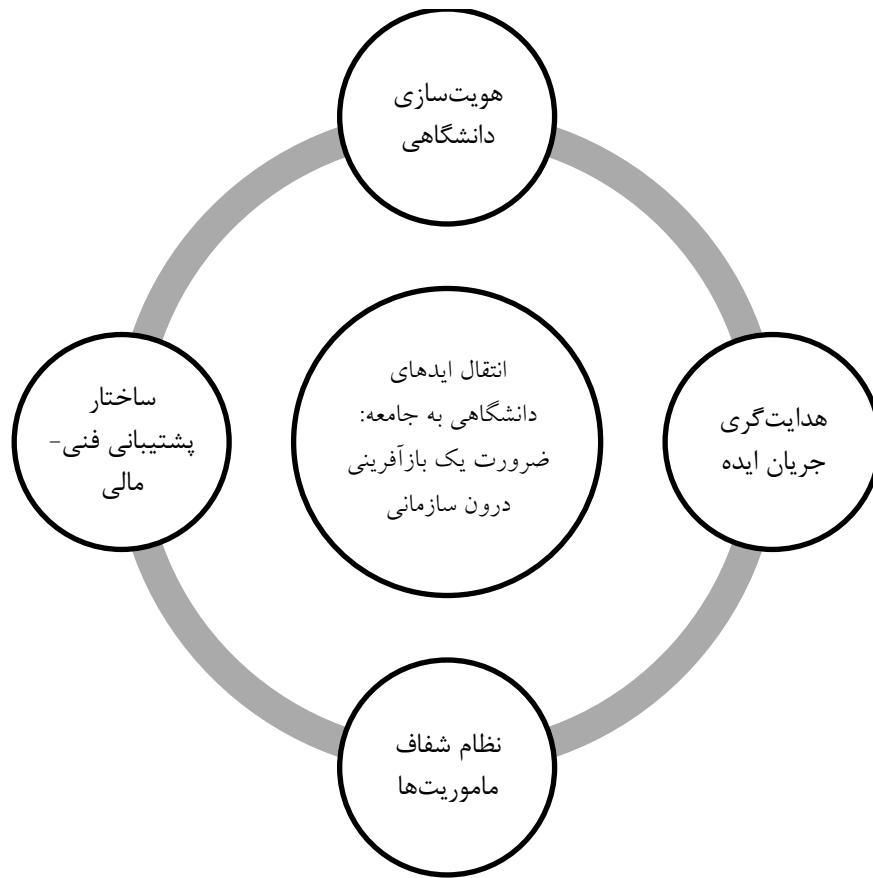
در کد محوری «نظام شفاف مأموریت‌ها»، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارتقای کارکرد دانشگاه در تعامل مؤثر با جامعه مستلزم وجود نظامی منسجم و شفاف برای تعریف مأموریت‌ها و نقش‌های دانشگاه است؛ نظامی که از پراکندگی اهداف جلوگیری کرده و هم‌راستایی فعالیت واحدهای مختلف را با چشم‌انداز کلان نهاد علم تضمین می‌کند. چنین نظامی، تجلی مدیریت مبتنی بر مسئولیت و پاسخ‌گویی است و دانشگاه را از نهادی منفعل به سازمانی هدف‌دار، پویا و متعهد نسبت به نیازهای اجتماعی بدل می‌سازد. این مؤلفه بر دو کد باز استوار است: نخست، «برنامه‌ریزی راهبردی و تعریف مأموریت» است که به گفته‌ی مصاحبه‌شونده شماره ۱۳، مستلزم تدوین چشم‌انداز و مأموریت روشن در سطح عالی دانشگاه است تا جهت‌گیری تمام فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی را به‌سوی حل مسائل واقعی جامعه سوق دهد. نبود چنین برنامه‌ای موجب پراکندگی اقدامات و تضعیف نقش دانشگاه در هدایت جریان ایده می‌شود، در حالی که وجود مأموریت راهبردی، انگیزه و انسجام نهادی را در مسیر نوآوری تقویت می‌کند. دوم، «ایجاد سازوکارهای الزام‌آور» است که بنا بر تأکید مصاحبه‌شونده شماره ۱۲، از طریق وضع قوانین، معیارهای عملکرد، مشوق‌ها و الزامات ساختاری، اعضای هیئت‌علمی را به مشارکت فعال در چرخه انتقال ایده و تعامل با جامعه متعهد می‌سازد. این نظام الزام‌آور مانع انزوا و درون‌گرایی دانشگاه شده و با نهادینه‌سازی مسئولیت اجتماعی در فعالیت‌های علمی، پیوستگی میان ایده، پژوهش و کنش اجتماعی را برقرار می‌کند.

• ساختار پشتیبانی فنی-مالی

در کد محوری «پشتیبانی فنی-مالی»، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحقق تعامل مؤثر دانشگاه با جامعه و انتقال موفق ایده‌ها مستلزم برخورداری از نظامی حمایتی و چندبعدی در ابعاد فنی و مالی است. این مؤلفه بر این اصل استوار است که حتی ایده‌های خلاقانه و دارای

کیفیت علمی بالا، بدون بهره‌مندی از حمایت چندبعدی دانشگاه در ابعاد فنی و مالی به‌سختی می‌توانند مسیر بلوغ خود را طی کرده و از مرزهای دانشگاه عبور کنند. بر اساس یافته‌های کیفی و پیشینه پژوهش، وجود یک اکوسیستم حمایتی پایدار که فرآیند خلق، ارتقا و انتقال ایده‌های نوآورانه را تسهیل کند، از الزامات اساسی در این مسیر است. این مؤلفه بر چهار کد باز استوار است: نخست، حمایت از ایده است که به گفته مصاحبه‌شونده شماره ۱، ناظر بر ایجاد مجموعه‌ای از منابع و ظرفیت‌های فنی، مالی و انسانی برای پشتیبانی از شکل‌گیری و توسعه ایده‌های دانشگاهی است. این حمایت در سه بعد ساختاری، مالی و فنی نمود می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که ایجاد مراکز رشد، آزمایشگاه‌های تخصصی و شتاب‌دهنده‌ها، تأمین بودجه‌های اولیه و گرنت‌های پژوهشی، جذب سرمایه‌گذاری خطرپذیر و ارائه مشاوره‌های علمی و فنی، زمینه‌ساز بلوغ ایده و کاهش ریسک شکست آن می‌شود. چنین سازوکاری با فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم، استمرار جریان ایده تا مرحله کاربردی سازی را تضمین می‌کند. دوم، معرفی و تبلیغ است که بر اساس تأکید مصاحبه‌شونده شماره ۳، به مجموعه اقداماتی اشاره دارد که با هدف ارتقای دیده شدن و پذیرش اجتماعی ایده‌های دانشگاهی انجام می‌شوند. این مؤلفه با تکیه بر بازاریابی علمی، برند سازی فناورانه و حضور هدفمند در نمایشگاه‌ها و رویدادهای تخصصی، امکان معرفی ایده‌ها به ذی‌نفعان، سرمایه‌گذاران و بخش‌های صنعتی را فراهم می‌آورد. از این رهگذر، دانشگاه در قالب نهادی نوآور و مسئله محور شناخته می‌شود و مسیر تجاری‌سازی و انتقال ایده تسهیل می‌گردد. سوم، امور اداری و حقوقی است که بر پایه دیدگاه مصاحبه‌شونده شماره ۸، شامل مجموعه‌ای از سازوکارهای رسمی برای حفاظت از مالکیت فکری، تنظیم قراردادهای شفاف همکاری با صنعت و سرمایه‌گذاران، ارائه مشاوره حقوقی مداوم و کاهش رویه‌های بوروکراتیک است. این مؤلفه با ایجاد سازوکارهای امن و کارآمد، از اتلاف منابع و تضییع حقوق ایده پردازان جلوگیری کرده و انتقال ایده به عرصه‌ی عملی را در بستری شفاف و قانونی ممکن می‌سازد. چهارم، زیرساخت فناوری هوشمند است که بر اساس اظهارات مصاحبه‌شونده شماره ۴، به استقرار سامانه‌های یکپارچه دیجیتال برای پایش نیازهای جامعه، ثبت ایده‌ها و تسهیل تبادل فناوری اشاره دارد. این زیرساخت با بهره‌گیری از پلتفرم‌های نوین ارتباطی و شبکه‌های علمی آنلاین، دسترسی کارآمد میان دانشگاه و جامعه را فراهم کرده و چرخه‌ی شناسایی، ارزیابی و انتقال ایده را تسریع می‌کند. چنین نظام فناورانه‌ای ضمن افزایش شفافیت، پیوستگی اطلاعات و تعامل بین‌نهادی را در فرایند انتقال ایده تقویت می‌نماید.

تحولات ساختاری موردنیاز در دانشگاه که موجب انتقال ایده‌ها به جامعه می‌شوند، به‌صورت کلی در شکل (۲) ارائه می‌گردند. این تحولات در کنار هم مؤلفه‌های اساسی مدل پیشنهادی پژوهش را تشکیل می‌دهند و به سؤال ۲ پژوهش پاسخ می‌دهند.



شکل (۲) مدل پیشنهادی پژوهش

پس از گردآوری و تحلیل اظهارنظرها و تجارب زیسته اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های دولتی کشور، داده‌ها به صورت نظام‌مند کدگذاری شدند. حاصل این فرایند، مدلی مفهومی بود که سازوکار انتقال ایده از دانشگاه به جامعه را با تأکید بر تحولات ساختاری تبیین می‌کند. این تحولات در ارتباطی پویا و متقابل، بستری را ایجاد می‌کنند که طی آن، ایده‌ها از مرحله شکل‌گیری اولیه در دانشگاه تا اجرا و بهره‌برداری در جامعه حرکت کنند. بر مبنای مدل استخراج‌شده، انتقال اثربخش ایده از دانشگاه به جامعه مستلزم یک جنبش و عزم همگانی از درون دانشگاه است. این جنبش باید به‌طور گسترده مؤلفه‌های ساختاری دانشگاه را متحول کند. این فرایند تنها با فعالیت خودجوش تعداد محدودی از افراد دانشگاهی، ایجاد یا تغییر نام نهادهایی که نقش‌های صوری و یا محدود در این زمینه ایفا می‌کنند و یا منتظر ماندن برای بهبود عوامل محیطی و کلان محقق نمی‌شود و این امر را باید از طریق بازآفرینی مؤلفه‌های درونی دانشگاه از جمله ساختار سازمان آن پیگیری نمود. بر این اساس، ضروری است جهت‌گیری نظام‌ها، سازوکارها و فرایندهای رسمی دانشگاه به‌گونه‌ای بازطراحی شود که هم‌پوشانی و هم‌افزایی مؤثر میان ایده‌های تولیدشده در دانشگاه و زمینه‌های کاربردی در جامعه را تسهیل کند. چنین ساختاری باید با (۱) احیای هویت دانشگاهی در قالب بازگرداندن آزادی علمی و اعتماد حرفه‌ای به نهاد دانشگاه، (۲) نهادینه‌سازی نظام‌مند فرایندهای مختلف ایده‌پردازی شامل شناسایی نیازها،

خلق ایده و انتقال ایده، (۳) تعریف مأموریت‌های شفاف و پاسخ‌گو نمودن دانشگاهیان در این زمینه و (۴) ایجاد سازوکارهای حمایتی چندبعدی و پایدار برای پرورش و انتقال ایده‌ها همراه باشد.

نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر، مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها و نقش آن‌ها در انتقال ایده‌های علمی به جامعه به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری آموزش عالی بدل شده است. دانشگاه‌ها علاوه بر تولید دانش بنیادی، باید در تعامل فعال با جامعه و حل مسائل واقعی مشارکت کنند، اما همچنان شکاف معناداری میان دانشگاه و جامعه وجود دارد و در نظر بسیاری، دانشگاه نهادی منزوی و محدود به نظریه‌پردازی انتزاعی است. در ایران نیز با وجود رشد کمی در تولید مقالات، تعداد بالای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و توسعه مراکز پژوهشی، محدودیت‌های جدی در انتقال مؤثر ایده‌ها و حل مسائل اجتماعی پابرجاست. این کاستی‌ها صرفاً ناشی از عوامل کلان نیست و دانشگاه‌ها می‌توانند با بازتعریف سازوکارها و ساختارهای درونی، ابتکار عمل را در دست گیرند و جامعه را با ایده‌های نوآورانه خود متحول سازند. زیست‌بوم ایده امروز پویا، جهانی و رقابتی است و دیگر در انحصار دانشگاه‌ها نیست، بنابراین تکیه بر ساختارهای درون‌گرای گذشته کفایت نمی‌کند و گذار به مدل‌های نوین و جامعه‌محور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. چنین تحولی می‌تواند دانشگاه‌ها را از تولیدکننده منفعل دانش به کنشگری مؤثر در رقابت ایده‌ها تبدیل کند و جایگاهشان را در توسعه پایدار ارتقا دهد. بر این اساس هدف پژوهش حاضر، واکاوی تغییرات ساختاری لازم برای افزایش ظرفیت انتقال ایده به جامعه و پاسخ نظام‌مند به چالش‌های موجود بود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تحقق انتقال اثربخش ایده‌های دانشگاهی به جامعه در گرو احیای استقلال فکری و بازسازی هویت حرفه‌ای نهاد دانشگاه است. نظام آموزش عالی ایران، متأثر از عوامل حاکمیتی، سیاسی، ایدئولوژی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی متعددی است که آزادی فکری و روح انتقاد و پرسشگری را از این نهاد گرفته است. این در حالی است که خلق و انتقال ایده در دانشگاه، نمی‌تواند در شرایطی صورت بگیرد که دانشگاه ابزاری برای ایدئولوژی‌های سیاسی، مذهبی و دولتی است و به بازوی فکری طبقه‌ای حاکم تقلیل پیدا کرده باشد. از این رو، بازتعریف هویت دانشگاهی بر پایه‌ی ساختارها و سازوکارهای درونی برای ایفای نقش مؤثر اجتماعی امری بنیادین است؛ نکته‌ای که در پژوهش‌های اسمیتز و همکاران (۲۰۱۷)، کارو و درچسلر (۲۰۲۴) و استفان (۲۰۲۵) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. مطالعات اخیر در این حوزه بر لزوم استقرار ساختارهای نوین سازمانی تأکید دارند؛ لیسیلور و رودریگز اسکولبار (۲۰۲۲) ایجاد ساختار حرفه‌ای را توصیه کرده‌اند، مارچانت-پرز و فریرا (۲۰۲۴)، هال (۲۰۲۲)، یو و همکاران (۲۰۲۰) و لاپنسی و همکاران (۲۰۲۴) به استقرار

ساختارهای بدون مرز اشاره کرده‌اند؛ در حالی که بارگر و همکاران (۲۰۲۲) و اسکوییدا (۲۰۲۵) ساختارهای شبکه‌ای و رن، شو، هائو و وانگ (۲۰۲۳) ساختارهای پروژه محور را برای نهاد دانشگاه پیشنهاد می‌کنند.

نتایج تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که انتقال مؤثر ایده از دانشگاه به جامعه مستلزم شکل‌گیری مسیری نظام‌مند و ساختاریافته است که از مرحله شناسایی نیاز تا بهره‌برداری اجتماعی از ایده‌ها را پوشش دهد. این مسیر بر سه سازوکار بنیادین و هم‌افزا استوار است: پایش و تحلیل محیط برای رصد و تفسیر تغییرات علمی، فناوریانه و اجتماعی؛ ایده‌پردازی خلاقانه و میان‌رشته‌ای برای تولید دانش نو؛ و اعتبارسنجی و ترجمان ایده‌ها برای انتقال آن‌ها به زبان و بستر قابل بهره‌برداری در جامعه. امری که در پژوهش‌های غفوریان و همکاران (۲۰۲۲) و دمارائس آبراهائو و همکاران (۲۰۲۴) مورد تأکید قرار گرفته است. فرآیند ایده‌پردازی در دانشگاه‌های ایران در هر یک از مراحل خود با موانع ساختاری و محتوایی متعددی مواجه است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به گسست ایده‌ها از نیازهای واقعی جامعه، فقدان رویکرد خلاقانه و میان‌رشته‌ای، ماهیت محدود به نظریه‌پردازی و غیرکاربردی بودن نتایج، نبود نظام اعتبارسنجی پیش از به‌کارگیری اجتماعی ایده‌ها، ناتوانی در ترجمه ایده به زبان قابل فهم برای ذی‌نفعان بیرونی و ضعف در انتقال مؤثر ایده‌ها به جامعه اشاره کرد. بر این اساس، اتخاذ رویکردی فراگیر به مسیر انتقال ایده و بازطراحی ساختارهای دانشگاهی با تعریف واحدهای تخصصی متناظر با هر سازوکار ضرورتی راهبردی تلقی می‌شود. همان‌گونه که کالین (۲۰۱۸)، اتزکویتز و ژو (۲۰۱۸) و کامپان و همکاران (۲۰۲۴) بر ایجاد واحدهای رصد محیطی، کاکت و ماکومب (۲۰۲۰) بر سازوکارهای ایده‌پردازی و نوآفرینی و گروهی از پژوهشگران از جمله بلیتسکی و سیکورسکی (۲۰۲۴)، آروانیتاکیس و هرنزیبی (۲۰۲۲)، کیتاگانا و همکاران (۲۰۲۴)، ساینکو و همکاران (۲۰۲۰)، چن و همکاران (۲۰۲۴)، استوارت (۲۰۲۴)، مارچانت-پرز و فریرا (۲۰۲۴) و مرسر (۲۰۲۳) بر استقرار نهادهای تخصصی برای ارزیابی، ترجمه و انتقال ایده‌ها تأکید کرده‌اند.

تحلیل یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد ارتقای نقش و کارکرد دانشگاه در انتقال مؤثر ایده‌ها به جامعه، مستلزم بازتعریف مأموریت‌ها و تبیین دقیق مسئولیت‌های رسمی این نهاد است. در این راستا، استقرار یک نظام مأموریتی شفاف و ساختارمند در درون سازمان دانشگاه ضروری است تا فرآیند انتقال ایده به‌عنوان یکی از کارکردهای بنیادی و نهادینه‌شده آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد. در واقع یکی از چالش‌های بنیادین نظام آموزش عالی کشور، فقدان مأموریت مشخص و چشم‌انداز نهادی در خصوص تعامل معنادار دانشگاه با جامعه و انتقال کارآمد ایده‌های علمی به عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی است. ساختار فعلی دانشگاه، اعضای هیئت‌علمی را تنها در برابر دو وظیفه آموزش و پژوهش پاسخگو می‌داند و هیچ الزام یا مشوقی برای توسعه فعالیت‌های جامعه‌محور در چارچوب ارزیابی و ارتقای آنان پیش‌بینی نشده است. در نتیجه، نظام مأموریتی و مقرراتی موجود، پیوند میان دانشگاه و جامعه را به سطحی حاشیه‌ای تقلیل داده و مانع از نهادینه شدن مأموریت‌های نوین دانشگاه می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های کالدرون-هرناندز و همکاران (۲۰۲۰) و جیوری و همکاران (۲۰۱۹) هم‌راستا است؛

مطالعات آنان نیز بر ضرورت ایجاد یک نظام نهادی رسمی و ساختارمند در دانشگاه تأکید دارند که تعامل دانشگاه با جامعه را در مأموریت و چشم‌انداز دانشگاه جای دهد و آن را از یک فعالیت اختیاری به مأموریتی الزام‌آور تبدیل کند. چنین سازوکاری، چارچوب پاسخ‌گویی و ارزیابی عملکرد دانشگاه را به سوی مأموریت‌های جامعه‌محور سوق داده و زمینه نهادینه‌سازی «چرخه انتقال ایده تا کاربرد اجتماعی» را فراهم می‌سازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پشتیبانی نهادی و مؤثر از ایده‌های دانشگاهی، شرط اساسی برای تحقق انتقال موفق ایده‌ها به جامعه است. نبود ساختارهای جامع حمایت فنی، مالی و حقوقی از ایده پردازان در نظام آموزش عالی کشور یکی از چالش‌های اصلی در مسیر این انتقال محسوب می‌شود. بسیاری از دانشگاهیان برای تجاری‌سازی یا اجتماعی سازی ایده‌های خود ناگزیر از مواجهه با فرآیندهای پیچیده مالی، مذاکرات صنعتی و بوروکراسی‌های طولانی حقوقی هستند. با وجود تلاش‌هایی همچون راه‌اندازی سامانه نان (نظام ایده‌ها و نیازها) که با مأموریت تسهیل اتصال میان دانشگاه، صنعت و جامعه فعالیت می‌کند، ابعاد حمایتی این‌گونه سازوکارها هنوز نیازمند گسترش و نهادینه‌سازی است. بر این اساس، ایجاد اکوسیستم حمایتی پایدار که فرایند خلق، توسعه و انتقال ایده‌های نوآورانه را تسهیل کند، ضرورتی راهبردی برای تحول دانشگاه تلقی می‌شود. چنین ساختاری باید بر تطبیق ایده‌ها با نیازهای واقعی جامعه، کوتاه‌سازی مسیرهای اداری و حقوقی و بهره‌گیری از فناوری برای تسهیل ارتباط با ذی‌نفعان تمرکز یابد. هم‌راستا با این یافته، مایکلسون و سگرز (۲۰۲۲) بر طراحی ساختارهای چندبعدی حمایتی تأکید دارند؛ اوراگینی و همکاران (۲۰۲۳) نقش بازاریابی علمی و فناورانه را برجسته کرده‌اند؛ سوآرس و تورکومیان (۲۰۲۱) و بلیتسکی و سیکورسکی (۲۰۲۴) حفاظت از مالکیت فکری، استانداردهای قراردادهای و ارائه مشاوره‌های حقوقی را ضروری می‌دانند؛ همچنین موناری و همکاران (۲۰۱۸) حمایت مالی اولیه از ایده‌ها و لویوتیل و همکاران (۲۰۲۲) بر تسهیل دیجیتال و فناورانه فرایند انتقال ایده تأکید کرده‌اند.

تشکر و قدردانی

مراتب تشکر و قدردانی خود را از معاونت پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز اعلام می‌داریم.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی در رابطه با نتایج پژوهش ندارند.

Mohamad Seydali



<http://orcid.org/0000-0001-5333-6331>

Hamid FarhadiRad



<http://orcid.org/0000-0002-2738-6957>

Hojatollah Darafsh



<http://orcid.org/0000-0002-0628-621X>

Yadollah Mehralizadeh



<http://orcid.org/0000-0002-0451-2455>

منابع

- Aarthun, L., & Sundqvist, G. (2025). Science advice and policy influence: Views of practitioners in the Swedish Climate Policy Council. *Environmental Science & Policy*, 171, 104143. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2025.104143>
- Alfrević, N., Jerković, I., Jelić, P., Piplica, D., & Rendulić, D. (2024). Sustainability Reporting and International Rankings in Higher Education: A Case of the University of Split, Croatia. *World*, 5(1), 107–118. <https://doi.org/10.3390/world5010006>
- Almasri, A., El Talla, S. A., Abu-Naser, S. S., & Al Shobaki, M. J. (2018). The Organizational Structure and its Role in Applying the Information Technology Used In the Palestinian Universities-Comparative Study between Al-Azhar and the Islamic Universities.
- Anatan, L. (2023). Factors influencing university-to-industry knowledge transfer. *International Journal of Monetary Economics and Finance*, 16(3/4), 243–251. <https://doi.org/10.1504/ijmef.2023.131909>
- Arvanitakis, J., & Hornsby, D. J. (2022). Trust, critical hope and the contemporary university. In *Transformation of the University* (pp. 27–43). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003102922-4>
- Belitski, M., & Sikorski, J. (2024). Three steps for universities to become entrepreneurial: a case study of entrepreneurial process and dynamic capabilities. *The Journal of Technology Transfer*, 49(6), 2035-2055.
- Blevins, K. S., Azagury, D. E., Wall, J. K., Chandra, V., Wynne, E. K., & Krummel, T. M. (2018). How Good Ideas Die: Understanding Common Pitfalls of Medtech Innovation. In *Medical Innovation* (pp. 117–127). Elsevier. <https://doi.org/10.1016/b978-0-12-814926-3.00012-7>
- Carayannis, E. G., & Campbell, D. F. (2021). Mode 3 knowledge production in quadruple/quintuple innovation helix frameworks. Springer.
- Chen, Z., Little, V. J., & Thuan, N. H. (2024). The evolving role of technology transfer offices in the entrepreneurial university: Go-betweeners or playmakers?. *The Journal of Technology Transfer*, 1-20.
- Chen, Z., Little, V. J., & Thuan, N. H. (2024). The evolving role of technology transfer offices in the entrepreneurial university: Go-betweeners or playmakers? *The Journal of Technology Transfer*, 50(3), 1060–1079. <https://doi.org/10.1007/s10961-024-10123-4>
- Collien, I. (2018). Critical–reflexive–political: Dismantling the reproduction of dominance in organisational learning processes. *Management Learning*, 49(2), 131-149.
- Compan, P., Kongyok, C., Prommachan, T., Rodsaard, N., & Socheath, M. (2024). Developing and Validating Sustainability Indicators for Measuring Social Impact of University–Community Engagement Programs. *Sustainability*, 16(12), 5232. <https://doi.org/10.3390/su16125232>
- Creswell, J.W. (2014). *Research Design: Qualitative, Quantitative & mixed method approaches* (fourth edition). Sage publications London: New Delhi.
- de Moraes Abrahão, V., Vaquero-Diego, M., & Currás Móstoles, R. (2024). University social responsibility: The role of teachers. *Journal of Innovation & Knowledge*, 9(1), 100464. <https://doi.org/10.1016/j.jik.2024.100464>
- De Wit-de Vries, E., Dolfmsa, W. A., van der Windt, H. J., & Gerkema, M. P. (2019). Knowledge transfer in university–industry research partnerships: a review. *The Journal of Technology Transfer*, 44(4), 1236-1255.
- Du, J., Leten, B., & Vanhaverbeke, W. (2022). How do universities foster academic entrepreneurship? *Research Policy*, 51(5), 104486.
- Emamian, S., Rahimian, F. P., Awang, M., & Dhingra, D. (2023). Unlocking the Commercialisation Process for Academic Ideas and Their Global Market Impact. *Law and Business*, 3(1), 42-52.
- Etzkowitz, H., & Zhou, C. (2018). *The Triple Helix: University–Industry–Government Innovation and Entrepreneurship*. Routledge
- Ferreira, J. J., & Carayannis, E. G. (2019). University-industry knowledge transfer-unpacking the “black box”: an introduction. *Knowledge Management Research & Practice*, 17(4), 353-357.
- Galea, S. (2023). On the diversity of ideas in academic spaces. *Frontiers in Public Health*, 11. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2023.1301730>
- Gall, M. D., Borg, W. R., & Gall, J. P. (2023). *Educational research: An introduction — Vol. 2* (Vol. 2; 13th ed.; Trans. A. R. Nasr Esfahani, et al.). Tehran, Iran: SAMT. [In Persian]
- Georgiev, G. V., & Georgiev, D. D. (2018). Enhancing user creativity: Semantic measures for idea generation. *Knowledge-Based Systems*, 151, 1-15.

- Ghafourian, F. S., Mohammadi Elyasi, G., Ahmadpour Daryani, M., & Yadollahi Farsi, J. (2022). *Entrepreneurial ideation facilitation methods: A review of research*. Iranian Journal of Management Sciences, 17(67), 47–74. [In Persian]
- Hall, N. (2022). University-Community Engagement from the Perspective of the University Populace. *Metropolitan Universities*, 33(1), 03–26. <https://doi.org/10.18060/25259>
- Hanifi, V. (2023). *The importance of ideation and the position of the ideator*. Araa Scientific Quarterly, 6(14), 7–16. [In Persian]
- Huang, C. K. (2024). THE PRACTICE OF UNIVERSITY SOCIAL RESPONSIBILITY AND GENERAL EDUCATION: PROMOTING COMMUNITY COLLABORATION AND STUDENT ENGAGEMENT THROUGH MICRO-COURSES. *Problems of Education in the 21st Century*, 82(6A), 1009–1028. <https://doi.org/10.33225/pec/24.82.1009>
- KARO, E., & DRECHSLER, W. (2024). The Future of the University In the Age of Sustainability: Balancing Transformation and Persistence. *Transylvanian Review of Administrative Sciences*, SI E, 72–79. <https://doi.org/10.24193/tras.si2024.10>
- Kissi-Abrokwah, B., Anontise, I. A., Kodua-Ntim, K., Adugbila, E. J., & Mensah, G. (2022). Knowledge Transfer Practices: A Means of Sustainable Career Development among Non-Academic Senior Members in Ghana. *Technium Social Sciences Journal*, 30, 41–54. <https://doi.org/10.47577/tssj.v30i1.6181>
- KITAGAANA, Z., MUSISI, B., & KAWEEESI, M. (2024). Channels and Types of University Industry University – Industry Technology Transfer and Their Effectiveness: A Case of Public Universities in Uganda. *The Uganda Higher Education Review*, 12(1), 125–141. <https://doi.org/10.58653/nche.v12i1.9>
- Klein, S. B., & Pereira, F. C. M. (2020). Entrepreneurial university: conceptions and evolution of theoretical models. *Revista Pensamento Contemporâneo em Administração*, 14(4), 20–35.
- Klikauer, T., & Link, C. (2021). The Idea of the University--A review essay. *Australian Universities' Review*, 63(1), 65–75.
- Koko, D., & Makumbe, W. (2020). Towards the innovative university: What is the role of organisational culture and knowledge sharing?. *SA Journal of Human Resource Management*, 18, 11.
- Kordshouli, H. R., Yousefi, S., Alimohammadlou, M., & Askarifard, K. (2024). Detecting, visualizing, and analyzing trends and patterns in university-based entrepreneurial ecosystem literature. *Management Review Quarterly*. <https://doi.org/10.1007/s11301-024-00444-x>. [in persian]
- LaPensee, E., Salem, B., Bugden, J., Cantrell, M., March, M. B., Samuels, E., & Somers, E. (2024). 559 Ideation Jams: Catalyzing Interdisciplinary Teams to Maximize Research Impact. *Journal of Clinical and Translational Science*, 8(s1), 167–167. <https://doi.org/10.1017/cts.2024.476>
- Levchenko, O., & Ameen Saif Ali, A.-G. (2020). CLASSICAL PHILOSOPHICAL FOUNDATIONS OF FUNDAMENTAL SCIENTIFIC RESEARCH' INSTITUTIONALIZATION IN COGNITIVE SOCIETY. *Three Seas Economic Journal*, 1(4), 67–76. <https://doi.org/10.30525/2661-5150/2020-4-10>
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. sage.
- Madl, L., & Radebner, T. (2021). Technology transfer for social benefit: Ten principles to guide the process. *Cogent Social Sciences*, 7(1). <https://doi.org/10.1080/23311886.2021.1947560>
- Marchant-Pérez, P., & Ferreira, J. J. (2024). Integrating historical approaches of university ecosystems: reviewing the literature streams and future directions. *Management Review Quarterly*. <https://doi.org/10.1007/s11301-024-00467-4>
- Marchant-Pérez, P., & Ferreira, J. J. (2024). Integrating historical approaches of university ecosystems: reviewing the literature streams and future directions. *Management Review Quarterly*. <https://doi.org/10.1007/s11301-024-00467-4>
- Matthews, A. (2023). The idea and becoming of a university across time and space: Ivory tower, factory and network. *Postdigital Science and Education*, 5(3), 665–693.
- Menter, M. (2023). From technological to social innovation: toward a mission-reorientation of entrepreneurial universities. *The Journal of Technology Transfer*, 49(1), 104–118. <https://doi.org/10.1007/s10961-023-10002-4>
- Mercer, D. G. (2023). Bridging the gap in the communication of food science knowledge and technology. *Food Control*, 143, 109279. <https://doi.org/10.1016/j.foodcont.2022.109279>
- Mikelsone, E., & Segers, J.-P. (2022). IDEA MANAGEMENT CANVAS: BIG PICTURE OF WEB-BASED IDEA MANAGEMENT MODELS. *Business: Theory and Practice*, 23(2), 485–501. <https://doi.org/10.3846/btp.2022.16916>
- Minshall, T. (2018). What is KT? Cambridge University. Accessed November 1, 2018. Information Website: <https://www.cam.ac.uk/research/news/what-is-knowledge-transfer>.

- Nakamori, Y., & Nakamori, Y. (2021). Creating Ideas from the Knowledge. *Knowledge Technology: Converting Data and Information into Valuable Ideas*, 75-93.
- Ng, K. Y. N. (2022). Effects of organizational culture, affective commitment and trust on knowledge-sharing tendency. *Journal of Knowledge Management*, 27(4), 1140–1164. <https://doi.org/10.1108/jkm-03-2022-0191>
- O'Reilly, N. M., Robbins, P., & Scanlan, J. (2019). Dynamic capabilities and the entrepreneurial university: a perspective on the knowledge transfer capabilities of universities. *Journal of Small Business & Entrepreneurship*, 31(3), 243-263.
- OECD (2023). *Science, Technology and Innovation Outlook 2023*. OECD Publishing. https://doi.org/10.1787/sti_in_outlook-2023-en
- Ritzen, J. (2020). Making Ideas Work for Society: University Cooperation in Knowledge Transfer. In *Successful Global Collaborations in Higher Education Institutions* (pp. 51–62). Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-25525-1_6
- Rufon, J. F., Villanueva, E. R., Manzano, R. G., Patiam, A. M. C., Vizcarra, G. C., & Jarmin, R. C. (2025). Inclusive Decision Making: A Spotlight on Romblon State University's Approach to Achieving Participatory Model in University Governance. *Journal of Lifestyle and SDGs Review*, 5(4), e05522. <https://doi.org/10.47172/2965-730x.sdgsreview.v5.n04.pe05522>
- Saghafi, F., Hoseini, R., Abedini Parizi, M., & Lesani, H. (2023). *Analysis and evaluation of parameters of the innovation and ideation process*. *Industrial Innovations*, 1(4), 409–422. [in persian]
- Saienko, N., Chevycheova, O., Ivanova, I., Ptushka, A., & Vorobiova, S. (2025). THE USE OF DIGITAL TECHNOLOGIES IN TEACHING CULTURE AND FOREIGN LANGUAGES TO TECHNICAL UNIVERSITY STUDENTS. *ENVIRONMENT. TECHNOLOGY. RESOURCES*. Proceedings of the International Scientific and Practical Conference, 3, 295–302. <https://doi.org/10.17770/etr2025vol3.8512>
- Schmitz, A., Urbano, D., Dandolini, G. A., de Souza, J. A., & Guerrero, M. (2017). Innovation and entrepreneurship in the academic setting: a systematic literature review. *International entrepreneurship and management journal*, 13, 369-395.
- Shtefan, A. (2025). Ensuring Academic Integrity in Scientific Activities from a Copyright Perspective. *NaUKMA Research Papers. Law*, 15, 155–164. <https://doi.org/10.18523/2617-2607.2025.15.155-164>
- Skuibida, O. (2025). University-Led Citizen Science Projects for Environmental Monitoring and Integrated Urban Development. *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science*, 1499(1), 012067. <https://doi.org/10.1088/1755-1315/1499/1/012067>
- Staley, D. J. (2020). The Idea of the University as Incubator. *World Futures Review*, 12(4), 363-368.
- Stewart, I. S. (2024). Advancing disaster risk communications. *Earth-Science Reviews*, 249, 104677. <https://doi.org/10.1016/j.earscirev.2024.104677>
- Straand, I. J., & Jevnaker, B. H. (2023). Leading transformation in an uncertain world: A case for strategic speculative design. *European Conference on Management Leadership and Governance*, 19(1), 380–387. <https://doi.org/10.34190/ecmlg.19.1.1947>
- Sutherland, K., Cumming, S., McCawley, A.-L., Rossini, G., Wishart, L., & Finnigan, S. (2024). A Structured Template for Social Work Psychosocial Assessments and Formulations in Healthcare. *Australian Social Work*, 78(1), 4–14. <https://doi.org/10.1080/0312407x.2024.2322741>
- Xu, Y., Sheng, S., Xue, B., Fu, L., Wang, X., & Zhou, C. (2023). Exploring and verbalizing academic ideas by concept co-occurrence. *arXiv preprint arXiv:2306.02282*.
- You, H. S., Park, S., Marshall, J. A., & Delgado, C. (2020). Interdisciplinary Science Assessment of Carbon Cycling: Construct Validity Evidence Based on Internal Structure. *Research in Science Education*, 52(2), 473–492. <https://doi.org/10.1007/s11165-020-09943-9>
- Zhang, C., Wang, P., Zeng, X., & Wang, X. (2025). A case study on developing students' problem-solving skills through interdisciplinary thematic learning. *Frontiers in Psychology*, 16. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1447089>